فصلنامه تحقیقات جدید در علوم انسانی(دوره جدید)

شماره ۳۱،
دوره اول،
سال سوم،
پاییز ۱۳۹۹،
صص ۱-۱۷

چیستی و چگونگی تحولات دوره رنسانس

سعیده عسکری دهنو[۱] کریم سلیمانی دهکردی[۲]

چکیده

یکی از مهم ترین تحولاتی که در بستر تاریخ جوامع بشری اتفاق افتاده است، رنسانس یا نوزایی در اروپا است. این رو؛ این مقاله با هدف بررسی «چیستی و چگونگی تحولات دوره رنسانس» مورد پژوهش قرار گرفته است. روش تحقیق کیفی- توصیفی است و به شیوه اسنادی- کتابخانه ای جمع آوری شده است. نتایج نشان می دهد؛ دوره رنسانس نهضتی علمی- هنری است که در سه حوزه معماری، هنر و ادبیات تجلی یافته است. همچنین؛ رنسانس زاییده تحولات سیاسی، توسعه بازرگانی، تعقل گرایی، اکتشافات جغرافیایی، مذهب پروتستان، انقلاب ادبی و هنری، اومانیسم یا انسان گرایی، توجه به زبان های ملی و حمایت مادی و معنوی از هنرمندان طی قرون چهاردهم تا هفدهم میلادی در اروپا بویژه ایتالیا و سپس دیگر نقاط اروپا مانند فرانسه و انگلستان است.

واژگان کلیدی: تحول-دوره- رنسانس- اروپا

۱ - فارغ التحصیل کارشناسی ارشد، گروه ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران (نویسنده مسئول) ana1990a.n.72@gmail.com

۲ - دانشیار و عضو هیئت علمی، گروه علوم انسانی، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران soleimanyk@gmail.com

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-11-18]

مقدمه

در یک مختصر نگاه به گذشته تمدن بشری و زیست جهان آدمی و پیش از شکل گیری دنیای مدرن، دوره موسوم به دوره رنسانس وجود دارد که حد فاصل قرون وسطی و دوره مدرن است. از این رو؛ اگر قائل به دوره پست مدرن و دوره باستان نیز باشیم دوره رنسانس سومین دوره یا مرحله ای است که تاریخ بشریت بویژه در بستر جغرافیایی و فرهنگی غرب به خود دیده است. بدین سان؛ پس از زوال یا فراموشی دوران یونان و روم باستان در جهان اروپایی، دوره قرون وسطی شکل می گیرد که بیش از هزار سال و تقریبا تا میانه قرن چهاردهم میلادی ادامه یافت. از مشخصات دوران قرون وسطی، سلطه و اقتدار دستگاه کلیسا و مذهب کاتولیک و در راس آن شخص پاپ است که قدرت اش چنان بر جامعه اروپا سایه افکنده بود که در این دوران طولانی، همه کشورهای اروپای زیر لوا و سیطره کلیسای کاتولیک امت مسیحی را تداعی می ساخت. اما نه به صورت ناگهانی بلکه به تدریج این قدرت و شوکت دستگاه کلیسا به زیر سوال رفت و مردم اروپا در وضعیت جدیدی از حیات اجتماعی- فرهنگی و نظام سیاسی قرار گرفتند. دیگر؛ این دستگاه کلیسای کاتولیک نبود که پس از هزاران سال اعمال قدرت، و از تشویق و ترغیب مردم به جنگ های صلیبی گرفته تا خرید و فروش گناه و غیره مسیر زندگی را برای اروپاییان مشخص می کرد بلکه این خود مردم و در واقع بطن اجتماعی جامعه بود که این بار چراغ روشنایی و نور امید در دل مردم روشن می نمود . در واقع؛ این نور چراغ رنسانس یا نوزایی بود که مردم در زندگی شان احساس می کردند و به پیشرفت و ترقی و سعادت نه دیگر به روشی که دستگاه کلیسای کاتولیک تداعی می نمود بلکه این بار هنرمندان، ادبا، فضلا، تجار و غیره بودند که راه چگونه زیستن را به آدمی و انسان اروپایی نشان می دادند. بدین سان؛ این مقاله با هدف بررسی «چیستی و چگونگی تحولات دوره رنسانس» مورد پژوهش قرار گرفته است. بویژه در این مقاله سعی شده است که به این سه پرسش پاسخ داده شود:۱-رنسانس چیست ۲-رنسانس چه حوزه هایی را در بر می گیرد؟ ۲-رنسانس چگونه بوجود آمد یا علل شکل گیری آن چه بود؟

الف-رنسانس چیست؟

واژه رنسانس به معنای نوزایی؛ در زبان انگلیسی Renewcence و در زبان فرانسوی Renaissance است. به لحاظ لغوی این واژه به معنای تجدید، تجدد، احیاء رجوع به زندگی، اعاده، عود، بازگشت، نیروی جوانی، تازگی، طراوت، زنده دلی، تولد دوباره و غیره است. از منظر تاریخی نیز رنسانس دوره ای نزدیک به سده

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-11-18]

۱۳۵۰ تا ۱۶۳۲ میلادی را در بر می گیرد که طی این دوره در اروپا تحولی شگفت و گسترده در زمینه ادبیات، هنر و اندیشه های گوناگون شکل گرفت(شاکری، ۱۳۹۰: ۲۸).

این تحول بزرگ به دنبال یک فترت طولانی حدود ۱۰۰۰سال انجام گرفت و اعتقاد بر این بود که افراد دنباله تمدن یونان و روم را گرفته اند و در نتیجه رنسانس به مفهوم تجدید حیات علم و ادب بشری بکار برده شده است. همچنین؛ در همین دوره رنسانس بود که اعصار قبلی را قرون وسطی یا سده های میانه نامیدند. بویژه کسانی که عصر سده های میانه را دوره تاریکی و دوره قدرت می خواندند و معتقد بودند که دوره جدید، روح بشر از قید بردگی رهایی یافته است بر این دوره و عهد نوین نام رنسانس دادند(شاکری، ۱۳۹۰: ۲۸). به عبارت دیگر؛ رنسانس به معنی زندگی دوباره و تجدید حیات اصول و نمادهای یونان و روم باستان است. آنها دوره کلاسیک یونان و روم باستان را دوره منطق گرایی، خردورزی، علم و زیبایی می دانستند(Ghobadian, 2011, 19).

رابرت ارگانگ مورخ در خصوص تحولات عصر رنسانس می نویسد: دوره رنسانس، یکی از خلاق ترین دوران های تاریخ است ... رنسانس به تلاش عقلانی جهت تازه ای بخشید ... تا آن را به سوی تمدن امروزی هدایت کند. این قرون یکی از مهم ترین دوران ها از لحاظ کنکاش های تاریخی بود(اسمن، ۱۳۸۸، ۶۹). به تعبیر دیگر؛ رنسانس نه تنها یک دوره زمانی نو بود، بلکه یک شیوه زندگی و تفکر بود که از طریق بازرگانی، جنگ و اندیشه ها از ایتالیا به سراسر اروپا گسترش یافت. رنسانس، محدوده هایی از قبیل معماری، حجاری، و مجسمه سازی، نقاشی، موسیقی، ادبیات، فلسفه، علوم و تعلیم وتربیت را در بر می گرفت(غفاری فرد، ۱۳۹۱، ۲۲۹).

بنابراین؛ رنسانس یکی از مهم ترین وقایع تاریخ دنیاست؛ این تحول و رویداد بزرگ و عمیق ابتدا در ایتالیا و به صورت رنسانس فلورانسی[۱] و رنسانس رومی و پس از آن در فرانسه، آلمان، اسپانیا و هلند بسط و انتشار

[۱] . مردم فلورانس در سال ۱۴۲۰ میلادی متوجه شدند که با تعلقاتی جدید با انسان قرون وسطی فرق کرده اند. آن ها که دیگر هیچ چیز به نظرشان زیبا نمی آمد به دنبال چیزی که دوست داشته باشند، به کشف عصر باستان برخاستند. فضای فکری و روحی دنیای باستان و ازادی بیان درباره طبیعت و جهان تحیر آن ها را برانگیخت. پس به الگو برداری از آن ها و در جستجوی کتاب هایی به زبان لاتین و آموزش زبان یونانی، روح باستان را دوباره زنده کردند و نوزایی یا رنسانس رخ داد(گامبریچ، ۱۳۸۹: ۲۳۱؛ ۴۷۲؛ آتشکده، ۱۳۹۰: ۴۸).

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-11-18]

یافت. همچنین؛ عصر رنسانس برای اروپاییان با کامیابی های عظیم و با اختراعات فراوان و مهمی چون صنعت چاپ،دریانوردی، تلسکوپ و غیره همراه بوده است.

رنسانس در چه حوزه های اتفاق افتاد؟

اروپا مرحله قرون وسطی را که دوره ای چندان فعال در پیشرفت علم، تفکر و تجربه نبود پشت سر نهاد و وارد عصر جدید یا دوره فعالی همه جانبه در علم، فلسفه، هنر و اندیشه شد. بر اساس این تحولات و دگرگونی های شگفت انگیز که به تنهایی اروپا بلکه زندگی بشر را تحت تاثیر قرار داد دوره رنسانس به یکی از مهم ترین جریانات تاریخ دنیا بدل شد. این رو؛ یکی از مشخصات این تحرک توجه به شناخت پدیده های علمی، فرهنگی و اجتماعی است و در نتیجه انسان خود را بیش از پیش در دریافت واقعیت های محیط زندگی و مهار طبیعت عامل موثری احساس کرد و دریافت که قادر به حل مسایل جهان هستی است. این دگرگونی شامل تمامی جنبه های مادی و معنوی می شد و به همین جهت به تدریج علم، تکنیک، سیاست، فلسفه، هنر، ادبیات، قوانین، آداب و رسوم دستخوش تحولات گردید(اصفهانیان، ۱۳۹۳: ۴۴).

به علاوه؛ رنسانس فقط بازگشت به معارف کهن یونان و روم نبود، بلکه بروز عینی جریاناتی بود که از مدت ها قبل در لایه های زیرین اروپا شکل گرفته بود و جرات خود نمایی نداشت. رنسانس یکی از اشکال گوناگون جلوه نمایی این جریانات و تحولات همراه آن بود. زمانی که انسان از بند اسارت آزادی می یابد و موانع قدیمی را در هم می شکند، به سرعت در جهات متعدد پیشرفت می نماید. توسعه علم، ادبیات، هنر و معماری و اکتشافات در این زمان بروز نمود. با سست شدن قدرت کلیسا و آزادی از قیود آن، مردم پول هنگفتی که برای ساخت کلیسا پرداخت می کردند، جهت ساخت بناهای عمومی چون تالار اجتماعات و غیره صرف نمودند(نهرو، ۱۳۸۷، ج۱: ۴۷۲؛ آتشکده، ۱۳۹۰: ۴۶).

یکی از پیشگامان رنسانس، پتراک، شاعر قرن ۱۴ میلادی بود که علاوه بر سرودن غزل های عاشقانه و غنا بخشیدن به ادبیات ایتالیایی، بنیان گذار تحقیق در ادبیات کلاسیک یونان و روم بود(آتشکده، ۱۳۹۰: ۴۸). همچنین؛ رنسانس محدودهایی از قبیل معماری، حجاری و مجسمه سازی، نقاشی، موسیقی، ادبیات، فلسفه،

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-11-18]

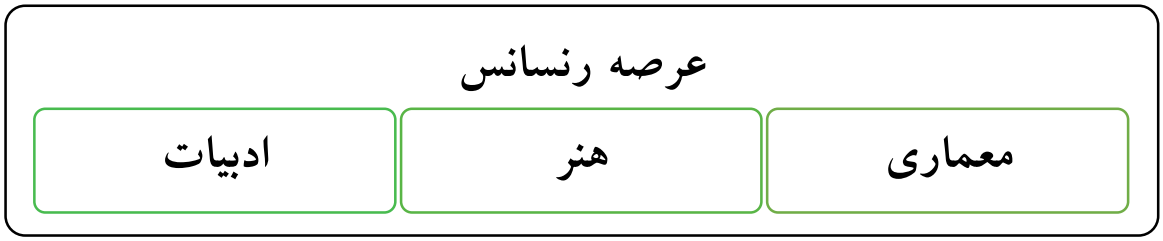
علوم و تعلیم و تربیت را در بر می گرفت و اخلاق ، ادب و اندیشه نوینی را در اروپا رایج می ساخت البته ذکر این نکته مهم است که از کلمه رنسانس نباید به اشتباه افتاد و چنان پنداشت که در سده های میانه، صنایع و ادبیات بکلی از میان رفته بود و در عصر رنسانس به یک باره جنبشی شکل گرفت بلکه درست این است که رنسانس ناگهانی بوجود نیامد بلکه بر اثر تبدیلات و تغییراتی چند آشکار گشت. در سده های سیزدهم و چهاردهم عمارت بی نظیری از قبیل کلیساهای فرانسه ساخته شده بود که سرمشق اروپا بود و حتی زیبایی بناهای عهد رنسانس هم نتوانست از آن بگذرد(غفاری فرد، ۱۳۸۷ ،۲۲۹؛ شاکری، ۱۳۹۰).

بر این منوال؛ رنسانس یا نوزایی جنبش فرهنگی مهمی بود که آغاز گر دورانی از انقلاب علمی و اصلاحات مذهبی و پیشرفت هنری در اروپا شد . عصر نوزایش را فرانسوی ها در قرن شانزدهم بکار بردند. در دوره رنسانس، خلاقیت در دانش، هنر، حکومت و اقتصاد بارز بود. بویژه آغاز دوره نوزایش را در سده چهاردهم میلادی در شمال ایتالیا دانسته اند، رنسانس یک تحول سیصد ساله است که از فلورانس آغاز شد و در انگلستان پایان گرفت. این تحول که در سال های ۱۳۰۰ میلادی از ایتالیا آغاز شد رخدادهای گوناگونی را پایه گذار بود که در طول سه قرن منجر به تغییرات اساسی و فعالیت های بزرگ گردید. در واقع رنسانس را می توان پایه اقتصادی، سیاسی، هنری و علمی تمدن های کنونی غرب دانست. دانش هنر پیشرفت های عظیمی در ایتالیای سده پانزدهم و شانزدهم بوجود آورد که این احیای فرهنگی به رنسانس مشهور شد. دانشمندان، فیلسوفان و هنرمندانی ظهور کردند که با الهام از میراث اصیل روم و یونان با دیدگانی تازه تر به جهان می نگریستند. نقاش ها به مطالعه کالبد انسان پرداختند و اعضای بدن انسان را به شیوه واقع گرایانه تری نقاشی کردند. فرمانروایان ساختمان ها و کارهای هنری بزرگی سفارش می دادند و در این درگه گوی سبقت از هم می ربودند. هر روز آثار جدید و خارق العاده ای از هنرمندان پرده برداری می شد که گویی به یکباره همه چیز از نو با شیوه ای متمدن آفریده شده این احیای فرهنگی، هنری و اقتصادی که در طول رنسانس همواره به چشم می خورد تبدیل به عقاید تازه ای شد که بزودی در سراسر اروپا منتشر شد. جنبش فرهنگی رنسانس با رجوع به یونان، انسان را در مرکز تاملات فکری و هنری خویش قرار داد و منشا تحولی شگرف در انسان شناسی و فرهنگ باختر زمین شد(بوکهارت، ۱۳۸۹، ۵۱۲).

به طور کلی؛ رنسانس یا نوزایی هم در معنویت رخ داد و هم در دانش؛ اما نوزایی در دانش نه به آن معنا که در قرون وسطی نبودند متفکرانی که در عالم دانش به تحقیق بپردازند بلکه بودند ولی همان عالمان دین، دانشمندان جامعه را تشکیل می دادند و آن چه را می گفتند که خوشایند کلیسا و مذهب کاتولیک باشد و می نوشتند آن چه اعتقاد کلیسا بود(آتشکده، ۱۳۹۰: ۴۴). اما این بار بر خلاف تفکرات دستگاه کلیسای کاتولیک،

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-11-18]

نوزایی مستقل و زیبا تر از گذشته و با الهام از تفکرات فیلسوفان و اندیشمندان یونان و روم باستان بویژه در سه حوزه معماری، هنر و ادبیات به شرح شکل شماره یک نمایان شد.



شکل(۱): عرصه رنسانس

ج-رنسانس چگونه بوجود آمد یا علل شکل گیری آن چه بود؟

اندیشمندان و نویسندگان متعدد عوامل ظهور و تولد دوره رنسانس را از جهات گوناگونی مورد بررسی قرار داده اند مثلا شکل گیری و رشد مناسبات سرمایه داری؛ پیدایش مفهوم انقلاب؛ اختراع توپ و پیدایش امپراتوری عثمانی؛ رشد دولت های مستقل ملی؛ عصر دوران های آرمانی و پیدایی مدائن فاضله؛ رشد بینش پروتستانی و جنبش رفرمیستی؛ شک و تردید درباره دستاوردهای کهن و کلاسیک(لطفی، ۱۳۸۱: ۲۲-۱۰؛ آتشکده، ۱۳۹۰: ۴۵) و غیره همه مواردی است که در شکل گیری رنسانس تاثیر گذار بوده اند. با این اوصاف؛ آنچه از اهمیت بیشتری برخوردار است در شکل شماره ۲ قابل ذکر و توصیف است.



شکل(۲): علل رنسانس

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-11-18]

یک-حمایت مادی و معنوی از هنرمندان

یکی از عواملی که در شکل گیری و تحول عظیم دوره رنسانس تاثیر مثبت گذاشت حمایت مادی و معنوی بود که از هنرمندان در دوره موسوم به رنسانس یا نوزایی انجام گرفت. بر این اساس؛ با آغاز جنگ های صلیبی و در طول این جنگ ها، ایتالیا مرکز اصلی بازرگانی میان اروپا و جهان اسلام قرار گرفت. این تجارت تقریبا انحصاری، ثروت چشمگیری برای شهرهای بندری ایتالیا به ویژه فلورانس به ارمغان آورد. ثروتمندان برای شکوه بخشیدن به زندگانی مجلل خود به هنرمندان محتاج شدند و شعرا و ادبا به تلطیف روحانی این مشوقان هنر و تجمل پرداخت اند(شاکری، ۱۳۹۰، ۳۱). همچنین؛ در اوایل دوران رنسانس و پس از ثروتمند شدن جامعه، سیستم بانکداری نیز توسعه و گسترش فراوانی داشت. مهم ترین بانکداران که آنها را بانکداران لومبارد می نامیدند و ساکن شمال ایتالیا و مرکزشان در فلورانس بود هشتاد شرکت مالی داشتند. در قرن پانزدهم، شرکت مدیچی به تنهایی شانزده شعبه تاسیس کرد.شکل گیری این موسسات مالی یا به تعبیر امروزی تر بانک ها همه نشان از ثروتمند بودن جامعه اوایل دوره رنسانس دارد و در نتیجه حمایت مادی و معنوی از هنرمندان، ادبا و فضلا از این شرایط مساعد مالی نیز بی تاثیر نبود.

دو- توجه به زبان های ملی

در قاره اروپا و دوران قرون وسطی علیرغم تعداد اقوام و ملت های گوناگون زبان لاتین به عنوان زبان دینی کلیسای کاتولیک و نیز زبان رسمی ادارات و دربارها کاربرد وسیعی داشت و اسناد و کتب عمدتا به همین زبان نوشته می شد. اما در سده سیزدهم در شهرهای ایتالیا کسانی پیدا شدند که توانایی خواندن و نوشتن به زبان های دیگر را پیدا کردند زیرا تجارتخانه های ایتالیایی با اعراب و یونانی ها و ... معامله و مکاتبه داشتند و کسانی را که به این زبان ها آشنا بودند استخدام می کردند. در نتیجه مطالعه در زبان ها و کتاب های یونان و روم قدیم بار دیگر مورد توجه قرار گرفت. البته کلیسا آثار قبل از دوران مسیحیت را منسوب به دوره کفر و شرک می کرد اما نویسندگان عصر رنسانس توجهی به این امر نداشتند و از مضامین آثار مذکور سود جستند و به تدریج با کاربرد زبان های مختلف، زبان لاتینی دیگر تنها زبان ادبی و اداری اروپا محسوب نمی شد و زبان های محلی به عنوان زبان ملی مورد استفاده اقوام مختلف قرار گرفت. به نظر کسانی که در دوران رنسانس زندگی می کردند، عصر آنها با قرون وسطی که به اشتباه دوران بی توجهی خوانده می شد، ارتباطی نداشت بلکه با دوران یونان و روم باستان مرتبط بود. آنها معتقد بودند که تنها در دنیای باستان چنین موفقیت ها و

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-11-18]

کارهای بزرگی انجام شده است. در واقع رنسانس خودش را به صورت زندگی دوباره یا نوزایی فرهنگ یونان و روم باستان می دید. نام رنسانس که در زبان فرانسه به معنی نوزایی است نیز از همین جا نشات می گیرد(شاکری، ۱۳۹۰: ۳۲).

سه-اومانیسم یا انسان گرایی

انسان عصر رنسانس با جهان بینی برگرفته از تفکر نوزایی و اومانیسم و آزادی عقل از زندان کلیسا با انسان قرون وسطی بسیار متفاوت شده بود. بر خلاف بینش قرون وسطایی که ثابت و ایستا بود و تغییر در آن امکان نداشت(یعنی اگر کسی در خانواده ای سرو یا بنده به دنیا می آمد، برای همیشه بنده می ماند و اگر ارباب متولد شده بود ارباب باقی می ماند. نوعی نظام طبقاتی که تغییر در آن امکان نداشت) در عوض بینش عصر رنسانس رو به سوی ترقی و پیشرفت داشت(آتشکده، ۱۳۹۰: ۴۷).

به عبارت دیگر؛ در دوره رنسانس خواندن کتاب مانند قرون وسطی تنها به روحانیون محدود نبود. زن و مرد، بازاریان، اشراف و همه و همه می توانستند بخوانند. در واقع اواسط قرن شانزدهم میلادی نیمی از مردم لندن سواد خواندن و نوشتن داشتند؛ میزان سواد در سایر شهرهای اروپا نیز مانند لندن بود و نتیجه شوق و ذوق دانشمندان عصر رنسانس به معارف یونان و روم باستان، جنبشی را پدید آورد که از آن به اومانیسم[۲]یاد می کنند(فون لاو، ۱۳۷۷: ۴۲۷-۴۲۹؛ آتشکده، ۱۳۹۰: ۴۶).

بنابراین؛ در قرن پانزدهم، در سراسر اروپا و خاورمیانه، محققین قفسه های غبار گرفته ساختمان های قدیمی را جستجو کردند و دست نوشته های یونانی و رومی را پیدا کردند. در نتیجه نوشته های باقی مانده از

[۱] . البته ذکر این نکته لازم است که بسیاری از ریشه های رنسانس از قرون وسطی منشا گرفته بود. در قرون وسطی ترجمه عربی آثار کلاسیک در اسپانیا- که در آن زمان تحت سلطه مسلمانان بود- دانش آموزان و دانشجویان را در شمال اروپا به روم و یونان علاقمند کرد. حتی بسیاری از اختراعات در اصل در قرون وسطی صورت گرفتند. قطب نمای مغناطیسی که کاشفان رنسانس را به سوی آسیا و آمریکا هدایت کرد در قرن دوازدهم اختراع شده بود. اما جامعه قرون وسطایی دستخوش رنسانس شد چون مردم اروپا برای انجام بسیاری از کارها روش های جدیدی پدید آورده بودند طی این فرایند نوآوری رنسانس با قدرت شکوفا شد(شاکری، ۱۳۹۰: ۳۲).

[۲] . رنسانس نهضت نخبگان بود نه اشراف یا طبقه ای خاص. در این زمان نه به طبقه توجه می شد نه پیشینه و سابقه خانوادگی. اومانیسم نیز مربوط به همین گروه بود مستعدین واهل ذوقی که به چاپ کتب مقدس به دیده حقارت می نگریستند و برای کتب دست نویس احترام قائل بودند. در ضمن، ناخشنود از سواد آموزی همگان که سبب ورود افراد بی ذوق به این وادی می شد(پالمر، ۱۳۸۹: ۱۰۶).

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-11-18]

نویسندگان کلاسیک از جمله افلاطون، سیسرو، سوفوکل و پلوتارک به دوران رنسانس رسید. محققین با حمایت افراد توانگر کارشان را به خوبی انجام دادند و در سال ۱۵۰۰ آنها تقریبا تمام دست نوشته هایی را که امروز موجود است یافتند. مطالعه این آثار دانش نو نام گرفت. در آن زمان ضمن احیای علاقه به نوشته های کلاسیک، به ارزش های فردی نیز توجه شد. خلاصه این گرایش انسان گرایی نام گرفت زیرا طرفداران آن به جای موضوعات روحانی و الهی بیش از هر چیز مسائل انسانی را در نظر گرفتند و انسان گرایی نیز مثل خود رنسانس از ایتالیا ظهور کرد(شاکری، ۱۳۹۰: ۳۴).

چهار-انقلاب ادبی و هنری

از قرن چهاردهم تغییرات بزرگی در افکار، جهان بینی و معرفت شناسی مردم ایتالیا بوجود آمد که عموما به رنسانس شهرت پیدا کرده است ... رنسانس جنبش فکری، فلسفی، علمی، هنری و ادبی بود که ریشه در عصر شارلماین داشت[۱]... تولد دانشگاه در پاریس، سالرنو، آکسفورد و هایدلبرگ به عنوان رقبای کلیسا روح قانون گرایی را به جای باور جزمی دینی و روح تعقل را به جای تعبد و تقید رواج داد. مکتب اسکولاستیک مخصوصا توسط اکویناس تصمیم گرفت میان معرفت دینی و معرفت علمی آشتی برقرار کند. گسیل منابع یونانی از بیزانس-پس از سقوط امپراطوری رم شرقی در سال ۱۴۵۳)- به ایتالیا و تاثیر علم و فلسفه اسلامی از طریق اسپانیا و سیسیل به اروپا جنبش رنسانس را تقویت کرد. اما در حوزه ادبیات که رکن اصلی رنسانس بود برجسته ترین شخصیت شاعر ایتالیای دانته با تاسی از ویژیل، سیسرون و لیوی، کمدی الهی را نوشت. در این کتاب انسان و زندگی از منظر اومانیستی مورد توجه قرار گرفت(بیگدلی، ۱۳۹۰: ۲۶۹ ؛ دشتی صوفیانی، ۱۳۹۴: ۳۳).

پنج-مذهب پروتستان

رفورم مذهبی یا انقلاب پروتستان گر چه از دوره وایکلیف، جان هوس و زوینگلی شروع شده بود اما توسط مارتین لوتر روحانی که استاد دانشگاه ویتن برگ نیز بود توسعه یافت. از این منظر قابل ذکر است که کلیسای کاتولیک راهبی را به نام «تنزل» را با انبوهی از الواح بخشایش روانه شهر و روستا کرد تا هر کس مرتکب گناهی شده بود با خرید یکی از الواح، گناهش بخشیده شود. مارتین لوتر به این عمل اعتراض کرد و در خطابه

[۱] .البته در قرن سیزدهم شخصیت های مثل راجر بیکن، آلبرت بزرگ و حتی جلوتر از این دو پیتر آبلار فرانسوی در قرن یازدهم با نگارش رساله(آری یا نه) می خواست از طریق پرسش و جستجو به حقیقت دست یابد(بیگدلی، ۱۳۹۰: ۲۶۹ ؛ دشتی صوفیانی، ۱۳۹۴: ۳۳)..

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-11-18]

ای در کلیسای ویتن برگ پاپ را مقصر این عمل زشت و ناشایست دانست. پاپ فرمان تکفیر علیه او صادر کرد و او به دربار شاهزاده ویتن برگ پناه برد. در آن جا منشور ۹۵ ماده ای خود را به عنوان بنیان آیین پروتستان منتشر کرد. به این ترتیب وحدت دینی و رهبری واحد کلیسای کاتولیک بر مسیحیت غرب از میان رفت و استقلال دینی برای برخی کشورها مثل آلمان و سپس انگلیس به اجرا در آمد. مذهب لوتری در شهرها و در کشورهای ثروتمند بیشتری طرفدار پیدا کرد. سپس مذهب لوتر و آن گاه آیین «کالونی» مورد اقبال پادشاهان شمال اروپا قرار گرفت(بیگدلی، ۱۳۹۰: ۲۷۰ ؛ دشتی صوفیانی، ۱۳۹۴: ۳۴).

از این رو؛ با اصلاحات پروتستانی که در دین مسیح رخ داد دین زیر شاخه ای از دولت شده و زمام امور در دست دولت قرار می گرفت. پاپ نیز تنها به عنوان فرمانروایان ایتالیایی محسوب می شد ... در این زمان دیگر لذت بردن از زیبایی ها و داشتن ثروت گناآلود نبود، بلکه انسان باید در تمام زمینه های زندگی فعال بوده، در سرنوشت خود دخیل باشد. توجه یکباره انسان به خودش و توانایی ها و استعدادهایش(بشرگرایی ای اومانیسم) متفکران را بر آن داشته که رنسانس را به صورت کشف انسان و جهان انسان توسط خودش توصیف کنند. توجه به دنیا و لذت بردن از آن را از کتب ادبی یونان و روم آموختنند، به همین دلیل بسیار به آن اهمیت دادند و با علاقه ساعت ها به مطالعه آن ها نشستند(فون لاو، ۱۳۷۷: ۴۲۷-۴۲۹؛ آتشکده، ۱۳۹۰: ۴۶).

به علاوه؛ مردم اروپا گویا از خوابی هزار ساله بیدار شده باشند، به قرن ها قبل و دوران افتخار خود یعنی دوران یونان باستان بازگشتند. شورشی فکری علیه نظریات حقیر کلیسا در باب زندگی به راه افتاد و مانند یونان قدیم، عشق به زندگی در رگ های خشکیده اروپا به جوشش در آمد(نهرو، ۱۳۸۷، ج۱: ۴۷۲؛ آتشکده، ۱۳۹۰: ۴۵).

بنابراین؛ بر خلاف تفکرات و عقاید کلیسای کاتولیک، اخلاق یا مذهب پروتستانی شیوه و سبک زندگی تازه و نوی برای رسیدن آدمی به خوشبختی و سعادت دنیوی و اخروی ترویج نمود که همین شیوه جدید بر فاصله گرفتن انسان اروپای از دوره قرون وسطی که دوره تاریکی و جهل نامیده می شد و هر نوع فعالیتی در چارچوب تایید دستگاه کلیسای کاتولیک باید عملی می شد، را در پی داشت. به عبارتی؛ انسان دوره رنسانس به تدریج با الهام از اخلاق پروتستانی یا نهضتی که لوتر و بعدها کالون طرفداران و مروجین اولیه آن بودند ضمن فاصله گرفتن از تعصبات کور دوره قرون وسطی در نهایت، سمت روشنایی و خروج از تاریکی را پیشه نظری و عملی خود ساختند.

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-11-18]

شش- اکتشافات جغرافیایی

در خصوص همزمانی اکتشافات جغرافیایی و تاثیر آن بر دوره رنسانس قابل ذکر است که «مارکوپلو» سیاح ونیزی برای آشنایی و دست یابی به بازار و کالاهای کمیاب عازم شرق شد و در چین اقامت گزید و سپس اطلاعات گران بهایی برای اروپاییان آورد. «هانری»، شاهزاده پرتقالی مدرسه دریانوردی را تاسیس کرد و سپس کشفیات جغرافیایی با سفر خیره کننده کریستف کلمب سیاح «جنوآیی» در سال ۱۴۹۲ آغاز شد . کلمب قصدش رسیدن به هند بود تا با منابع ادویه دسترسی پیدا کند اما از آمریکا سر در آورد و قاره آمریکا کشف شد ... (بیگدلی، ۱۳۹۰: ۲۷۱ ؛ دشتی صوفیانی، ۱۳۹۴: ۳۴).

بر این منوال؛ هنگامی که اروپایی ها به اطرافشان نگاه کردند همه جا را در جنبش یافتند. بازرگانی و صنعت ناگهان ترقی کرد. کاشفان راه هایی دریایی به آسیایی دور را یافتند و سرزمین های جدیدی را در آمریکا کشف کردند(شاکری، ۱۳۹۰: ۳۳). از این رو؛ کشفیات جغرافیایی ضمن این که موجب تشویق تولید کنندگان اروپایی شد تا بتوانند با تولید بیشتر بازارهای بیشتری به دست آورند و ثروت بیشتری را نصیب خود کنند که بی تاثیر بر شکوفایی عصر رنسانس نیز نبود. مهم تر این که کشفیات جغرافیایی و پیدا کردن سرزمین های جدید موجب می گردید تا نیروها و انسان های گرفتار جزمیت کلیسای کاتولیک بیشتر آزاد شوند و به جای خدمت به دستگاه پاپ و بویژه سرگرم شدن در جنگ های صلیبی که در دوران قرون وسطی قرن ها به طول کشید و چندان آیده ای برای جوامع اروپایی نداشت در نهایت؛ نیروی آزاده شده در خدمت نظام نوین و پیشرفته ای قرار گیرند که در ابتدایی ترین قدم و تحول آن دوره رنسانس را رقم می زد.

هفت- تعقل گرایی

همان طور که در سطور فوق الذکر به آن پرداخته شد با انقلاب ادبی و هنری و جنبش اومانیستی، انسان قرون وسطایی که اسیر قضاوت ها و باورهای موهوم و عاطفی بود تغییر کرد و مبنای داوری های خویش را بر پایه دلایل عقلی و استدلال های منطقی قرار داد. انسان قرون وسطایی که همه پدیده ها را از منظر معرفت و گفتمان دینی قضاوت می کرد اینک به عنوان انسان مدینبر پایه معرفت عقلی حقیت قضایا را کشف می کرد و دانش

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-11-18]

های باستانی[۱] را دوباره احیا کرد. انقلاب عقلی مدیون اختراع چاپ توسط یوهان گوتنبرگ است که انحصار دانش را از سلطه کلیسا خارج کرد. کپرنیک در قرن شانزدهم بساط منظومه بطلیموسی را به هم ریخت و اثبات کرد که خورشید مرکز منظومه است نه زمین. در قرن هفدهم گالیله تئوری سقوط اجسام را ثابت کرد و نظر کپرنیک را قطعیت بخشید. فرانسیس بیکن انگلیسی اساس شیوه و روش استقرایی را در علوم طبیعی پایه گذاری کرد(بیگدلی، ۱۳۹۰: ۲۷۲ ؛ دشتی صوفیانی، ۱۳۹۴: ۳۶).

بدین سان؛ در عصر رنسانس پایه های تمدن جدید اروپا شکل گرفت و مرحله جدیدی از تاریخ اروپا آغاز شد که بر اثر رفرم و پیشرفت علوم تجربی تحولی عظیم در تمامی عرصه های سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و مذهبی اروپا ایجاد نمود(ونکی فراهانی، ۱۳۸۴: ۲۲؛ آتشکده، ۱۳۹۰: ۴۶). خلاصه، همه این موارد نشان تعقل گرایی بشر دوره رنسانس دارد که جانب احساس و جزم اندیشی دوره قرون وسطی را رها کرده و در نتیجه به الهام از نور خرد و عقل برای خویش دریچه جدیدی از شیوه زیستن را باز نموده تا جایی که به وضوح نمایان است که همین انقلاب عقلی راهنمایی شد که دوره رنسانس را تولدی نوین بخشید و پایه های عقلانیت دوره مدرن در قرون بعید را پایه گذاری کرد.

هشت- توسعه بازرگانی

رشد سرمایه داری و توسعه شبکه بازرگانی دریایی در اروپا، اقتصاد محلی را به اقتصاد ملی و نهایتا به اقتصاد بین المللی تبدیل کرد. هر قدر حوزه داد و ستد گسترش می یافت و اروپاییان از حوزه اقتدار کلیسا دور می شدند، به همان نسبت سطح وابستگی به کلیسا و اعتقاداتش کاهش می یافت. البته زوال دوره فئودالیسم و فرار دهقانان از روستاها و پیوستن آنها به نظام سرمایه داری در بطن شهرها نیز بر توسعه شبکه بازرگانی تاثیر عمیق می گذاشت(بیگدلی، ۱۳۹۰: ۲۷۲؛ دشتی صوفیانی، ۱۳۹۴: ۳۶).

بدین سان؛ قرون ۱۵ و ۱۶ دوره ای در حال گذار از فئودالیسم به انقلاب تجاری است. انسان این دوره دارای تفکرات قرون وسطی ولی در آرزوی جهان پرشکوه است. انقلابات اقتصادی و تحولات عظیم ناشی از

[۱] . پیدا شدن جسد مومیایی شده دختر یکی از اشراف رومی بت پرست توسط چند کارگر ایتالیایی، در اذهان عمومی، نشانه احیای دانش های دنیای باستان بود. پس به تلاشی گسترده جهت دستیابی به ادبیات کهن که اکثرا مدفون شده بود دست زدند(وینورا، ۱۳۶۹: ۱۰۸؛ آتشکده، ۱۳۹۰: ۴۵).

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-11-18]

آن پایان بخش قرون وسطی بود و مسبب رشد بورژوازی شد(نهرو، ۱۳۸۷، ج۱: ۵۶۲؛ آتشکده، ۱۳۹۰: ۴۷). همچنین؛ نخستین برخورد قرون وسطی و عصر جدید با دگرگونی ساختار اقتصادی همراه شد. مناسبات سرمایه داری و بورژوازی ساختار فئودالیته را متغیر ساخت و تفاوت های رنسانس و وسطی در زمینه های اقتصادی و به تدریج علمی، ادبی و فلسفی نمایان شد. در عصر رنسانس اقتصاد از شکل فئودالی خود خارج شده و نظام سرمایه داری حاکم می شود. رشد بازرگانی با توجه به بقیه دنیا برانگیخت و جامعه ای که روزگاری بسته و محدود بود شروع به گشایش و بازشدن نمود(نهرو، ۱۳۸۷، ج۱: ۴۷۳؛ آتشکده، ۱۳۹۰: ۴۷). بدین سان؛ توسعه بازرگانی و شکوفایی حاصل از داد و ستد در دوره رنسانس باعث شد که این تحول چشم گیری در مناسبات بین المللی بر دوره رنسانس تاثیر مثبت داشته باشد.

نه- تحولات سیاسی

طی قرون وسطی دنیای مسیحیت تحت عنوان امت مسیح گرد محور کلیسای کاتولیک و گوش به فرمان پاپ، دارای همبستگی خلل ناپذیری بود. پادشاهان نیز مشروعیت خود را از پاپ دریافت می کردند. اما از اواخر قرن پانزدهم در اسپانیا، فرانسه و انگلیس، وحدت سیاسی تحت نظارت یک پادشاه مستبد شکل گرفت. با سرکوب و به اطاعت واداشتن قدرت های محلی از پادشاه، پراکندگی قدرت به تمرکز گرایی قدرت بدل شد. پادشاه با شیوه استبدادی مطلقه تحت عنوان ظل الله و با این باور که پادشاهی عطیه ای است الهی که به او واگذار شده است تا به مردم حکومت کند، اعمال قدرت می کرد. اینک پادشاه در درون حوزه جغرافیایی مشخصی به نام مرز ملی حکمرانی می کرد. از قانون خبری نبود، بلکه اراده و کلام پادشاه حکم قانون داشت. به این ترتیب امت مسیح تجزیه شد و جای خود را به ملت فرانسه، ملت اسپانیا و ملت انگلیس و آلمان داد(بیگدلی، ۱۳۹۰: ۲۷۳ ؛ دشتی صوفیانی، ۱۳۹۴: ۳۷). اما خود همین شکل گیری و اقتدار ملت های جدید، از یک سو قدرت پاپ و دستگاه کلیسای کاتولیک در رم و ایتالیا را کاهش می یافت و از سوی دیگر فضای از رقابت و تلاش در ملت هایشان را به وجود می آورد که بر تحول دوره رنسانس فزونی می بخشید.

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-11-18]

نتیجه گیری

این پژوهش با هدف بررسی «چیستی و چگونگی تحولات دوره رنسانس در اروپا» مورد پژوهش قرار گرفت با این توضیح که مهم ترین و بیشترین تغییر و تحولات دوره رنسانس در عرصه های معماری، هنر و ادبیات تجلی یافته است.

به عبارت دیگر؛ در دوره رنسانس اندیشمندان، هنرمندان، فضلا و همه افرادی که در تحولات رنسانس نقش آفرینی می کردند برخلاف خواست و انتظار دستگاه کلیسای کاتولیک، دنباله تمدن یونان و روم باستان را گرفتند و در نتیجه رنسانس به مفهوم تجدید حیات علم و ادب بشری از منظر تاریخ یونان و روم باستان را باز احیا نمودند.

در واقع؛ رنسانس هر چند از دل دوره تاریک و جهل اندیشی موسوم به قرون وسطی تولد یافت اما با رجوع اندیشمندان، فضلا، ادیبان، معماران و غیره به دوره یونان و روم باستان و با یک ساختار شکنی بر علیه دستگاه کلیسا و افکار و عقاید مذهبی کلیسای کاتولیک، بنیان تازه ای از تمدن بشری بویژه در عرصه های معماری، هنر و ادبیات پایه گذاری شد که در دوره های بعد باعث رونق و پیشرفت تمدن بشری در سرتاسر جهان شد.

همچنین؛ در دوره رنسانس ضمن این که روح بشر از قید بردگی رهایی یافت مهم تر دوره ای از منطق گرایی، خردورزی، علم و زیبایی نوید تازه ای از نور امید و روشنایی برای بشر و نسل های آتی انسان اروپایی و حتی کل بشریت را به ارمغان آورد که پایه گذار تمدن نوین تاریخ بشریت شد.

به علاوه؛ تحول دوره رنسانس یا نوزایی تغییر و دگردیسی نوینی است که در اواخر قرن چهاردهم میلادی در معماری، هنر و ادبیات بوجود آمد، به نحوی که؛ در این دوره پس از یک رکود و جزم اندیشی طولانی مدت قرون وسطی، دوره رنسانس برای اروپائیان عصر جدیدی فراهم نمود که سرشار از کامیابی های عظیم و شگرف تاریخی این دوره شد.

از این رو؛ انسان اروپایی دوره رنسانس خود را بیش از پیش در دریافت واقعیت های محیط زندگی و مهار طبیعت عامل موثری و فعال احساس کرد و دریافت که قادر به حل مسایل جهان هستی است.

خلاصه، تحولات و دگرگونی دوره رنسانس شامل تمامی جنبه های مادی و معنوی حیات بشری است و به همین جهت به تدریج علم، تکنیک، سیاست، فلسفه، هنر، ادبیات، قوانین، آداب و رسوم دستخوش تحول و دگر دیسی قرار گرفت.

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-11-18]

در نهایت؛ رنسانس زاییده تحولات سیاسی، توسعه بازرگانی، تعقل گرایی، اکتشافات جغرافیایی، مذهب پروتستان، انقلاب ادبی و هنری، اومانیسم یا انسان گرایی، توجه به زبان های ملی و حمایت مادی و معنوی از هنرمندان طی قرون چهاردهم تا هفدهم میلادی در اروپا است بویژه این تحول عظیم در ابتدا در شهر فلورانس ایتالیا و سپس در دیگر نقاط ایتالیا و کشورهای فرانسه،اسپانیا، آلمان، هلند و انگلستان گسترش یافت.

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-11-18]

منابع

اصفهانیان، داود(۱۳۹۳). تحولات اروپا در عصر رنسانس، تبریز، دانشگاه تبریز.

آتشکده، مهدیه(۱۳۹۰). مقایسه تحولات معماری ایران در دوره صفوی و ایتالیا در عصر رنسانس، پایان نامه کارشناسی ارشد در رشته تاریخ ایران دوره اسلامی، دانشگاه سیستان و بلوچستان

بوکهارت، یاکوب(۱۳۸۹). فرهنگ رنسانس در ایتالیا، ترجمه محمد حسن لطفی، چاپ دوم، تهران، انتشارات طرح نو.

بیگدلی، علی(۱۳۹۰). تاریخ اروپا در قرون وسطی، تهران، دانشگاه پیام نور.

پالمر، رابرت روزول(۱۳۸۹). تاریخ جهان نو، ترجمه ابوالقاسم طاهری، تهران، نشر امیر کبیر

دشتی صوفیانی، محمد رضا(۱۳۹۴). بررسی تاریخی پیدایش صنعت چاپ و تاثیر آن بر گسترش علوم در اروپای عصر رنسانس، پایان نامه کارشناسی ارشد در رشته تاریخ گرایش عمومی جهان، دانشگاه تبریز.

شاکری، مریم(۱۳۹۰). هنر رنسانس و تاثیر آن بر هنر ایران زمین در دوره های صفویه و قاجار. پایان نامه کارشناسی ارشد در رشته تاریخ گرایش عمومی جهان، دانشگاه ازاد اسلامی واحد شاهرود.

غفاری فرد، عباسقلی(۱۳۹۰). تاریخ اروپا(از آغاز تا پایان قرن بیستم). تهران، نشر اطلاعات.

گامبریج، ارنست(۱۳۸۹). ترجمه علی رامین، تهران، نشر نی.

لطفی، نقی و محمد علی علیزاده(۱۳۹۲). تاریخ تحولات اروپا در قرون جدید: از سقوط قسطنطنیه تا انقلاب کبیر فرانسه، تهران، سمت.

نهرو، جواهر لعل(۱۳۸۷) نگاهی به تاریخ جهان، ترجمه محمود تفضیلی، انتشارات امیر کبیر

Hobadian, V. (۲۰۱۱). Contenporary Western Architecture. Tehran: Caharal Research Bureau Publications.(In Persian)

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-11-18]

What and how the Developments of the Renaissance

Saeedeh Askari Dehno
MA Graduated, Department of Literature and Humanities, Shahid Beheshti University, Tehran, Iran (Author in Charge) (ana1990a.n.72@gmail.com)

Karim Soleimani Dehkordi
Associate Professor and Member of Faculty, Department of Humanities, Shahid Beheshti University, Tehran, Iran (soleimanyk@gmail.com)

Abstract

One of the most important developments in the history of human societies is the Renaissance in Europe. this side; This article aims to investigate "what and how the developments of the Renaissance". The research method is qualitative-descriptive and has been collected in a documentary-library manner.results show; The Renaissance period is a scientific-artistic movement that has manifested itself in three areas of architecture, art and literature. also; Renaissance was born of political developments, business development, rationalism, geographical discoveries, Protestantism, literary and artistic revolution, humanism or humanism, attention to national languages and material and spiritual support for artists during the fourteenth to seventeenth centuries in Europe, especially Italy and Then there are other parts of Europe such as France and the United Kingdom.

Keywords: Transformation-Period-Renaissance-Europe

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-11-18]